

مهمانان کوچک دارالتربیه مشهد

درباره حضور پناهندگان لهستانی در خراسان که بیشترشان کودک بودند

مقصومه صاحبکاران!هم‌زمان با بروز نخستین جرقه‌های جنگ جهانی دوم و متعاقب آن اشغال سرزمین لهستان توسط قوای نظامی آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی، مردم این سرزمین خود را با جنگی ناخواسته و ویرانگر روبرو دیدند. از آنجایی که تاب مقاومت در برابر این تجاوزگری ممکن نبود، به ناچار عده‌ای از این آوارگان به شرق آورده شدند و در قلمروی اتحاد جماهیر شوروی روزگار پرمشقتی را می‌گذراندند. حوادث بعدی جنگ باعث شد که تعداد زیادی از این آوارگان به سمت آسیای مرکزی و مرزهای شمال شرقی ایران رانده شوند. در این هنگام مرزهای خراسان توسط شوروی اشغال شده و سیاست‌های استالین برای گسترش نفوذ در خراسان منجر به بی‌ثباتی این منطقه شده بود. در این اوضاع دشوار و ناگوار تصمیم گرفته شد مهاجران و آوارگان لهستانی وارد خراسان شوند. هر چند خراسان به‌عنوان گذرگاه عبور لهستانیان مدنظر بود، اما همین عبورومرور و رویدادهای متعاقب آن و نیز نحوه تعامل دوسویه بین مردم با این دسته از مهاجران، از بخش‌های مهم تاریخ مشهد و استان خراسان به شمار می‌رود. در گزارش پیش‌رو نگاهی داشته‌ایم به چگونگی ورود این آوارگان جنگی و تحولاتی که در خراسان رقم زده‌اند.

نکته: آنچه می‌خوانید چکیده مقاله «مهاجران لهستانی در خراسان» است که پیش‌تر در نشریه «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» آبان ۱۳۹۲ منتشرشده است.

- لهستانی‌ها در خراسان

سابقه اولین ورود لهستانی‌ها به خراسان به زمان جنگ جهانی اول برمی‌گردد. محمدابراهیم امیرتیمور کلّالی، فرماندار قوچان، طی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۰ خورشیدی در خاطرات خود طی جنگ جهانی اول از چند مهاجر لهستانی یاد می‌کند که به ایران آمدند و توسط قوای انگلیس دستگیر و در قوچان تحویل وی گردیدند. یکی از آنان دختر بیست و سه‌ساله‌ای بوده که به زبان فرانسه از امیرتیمور کلّالی می‌پرسد: «ایران که کشور مستقلّی است، چرا انگلیس‌ها این قدر در کار شما دخالت می‌کنند؟» داستان خراسان و لهستانی‌ها اما بیشتر در جنگ جهانی دوم به هم گره خورد. در ابتدای امر، فقط بحث عبور کالا و کمک‌رسانی به لهستانی‌های آواره از طریق ایران مطرح بود و نه آقامتشان. اما پس از مذاکراتی که متفقین با مقامات ایرانی انجام دادند، موضوع عبور افراد لهستانی - ابتدا فقط نظامی - و اسکان موقت آنان مطرح و قرار شد چنانچه مایحتاج آن‌ها توسط خودشان تهیه شود و از نظر غذایی، تحمیلی بر ملت و دولت ایران نباشد با این امر موافقت شود، اما این قول به‌طور کامل محقق نشد و با ورود مهاجران به ایران، بخشی از نیازهای آن‌ها از داخل تأمین شد.

پیش از آمدن لهستانی‌ها، ایران به واسطه حضور متفقین با مشکلاتی روبه‌رو بود. خراسان نیز بی‌شک به‌عنوان قسمتی از این سرزمین و در این برهه از زمان با این مشکلات روبه‌رو بوده است. به این ترتیب اولین گروه مهاجران لهستانی وارد ایران شدند. «سرکلارمونت اسکراین»، سرکنسول وقت انگلیس در مشهد می‌نویسد: «اما اشخاص خیلی مهم با ترتیبی که به‌وسیله فرماندهی ارتش داده شده بود، در باجگیران بان‌ها ملاقات صورت گرفت. سپس از طریق خشکی با اتوبوس به تهران و پس از آن به بغداد گسیل شدند تا در آنجا برای گردآوری ارتش به [نژرال ولادیسلاو] اندرس، [فرمانده ارتش لهستان] بپیوندند.»

- کودکان، اولین پناهنده‌ها

منابع برجای مانده در این باره هم‌سخن هستند که مهاجرانی که از مسیر خشکی (عشق‌آباد باجگیران) وارد مشهد شده‌اند با اتوبوس آورده شده و بیشتر آن‌ها زن و کودک بوده‌اند. بنا به گفته‌های اسکرین و «سر ریدر ویلیام پولارد»، زنان را برای انجام خدمات گوناگون روانه آسیای مرکزی (سیبری) کرده بودند.

این منابع، نخستین گروهی را که وارد مشهد شده‌اند، ۱۲۰ کودک برمی‌شمارند که در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۴۲ میلادی برابر با ۲۱ اسفند ۱۳۲۰ خورشیدی وارد این شهر شدند. آنان از شهر عشق‌آباد به‌سوی ایران حرکت کرده بودند. در میان این گروه می‌توان از خواننده نامدار لهستانی، «هانکا اور دونونا» (Hanka ordonowna) یاد کرد. او از نامدارترین بازیگران و آوازخوانان جمهوری جوان لهستان در پیش از جنگ جهانی دوم شمرده می‌شود.

روزنامه آزادی مشهد در شماره ۱۰ فروردین ۱۳۲۱ خورشیدی درمورد حضور این کودکان چنین نوشته است: «اخیرا عده‌ای از اطفال لهستانی که در خاک اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند، خود به عزم رفتن به هندوستان به مشهد وارد و در دارالتربیه شاپور نگهداری و پذیرایی می‌شوند. عصر پنجشنبه هم در دارالتربیه دعوتی شده و با حضور آقای استاندار و آقای سرکنسول بریتانای کبیر و آقای سرکنسول اتحاد جماهیر شوروی و آقای رئیس شهرپانی و آقای شهردار و مدیر آزادی، اطفال چند فقره نمایشات دادند که باری‌های شیرین آن‌ها با کف‌زدن‌های مسرت‌انگیز و تقدیرآمیز حضار پایان یافت و تا ساعت هفت آن جلسه که تأثر و شادمانی، آمیخته به هم داشت، ادامه یافت.» دارالتربیه در محل بیمارستان امدادی یا شهید کامیاب امروز مشهد در چهارراه نخریسی، درواقع پرورشگاهی بود باتمام تجهیزات که شهرداری در اختیار این بچه‌ها قرار داد. آستان قدس نیز تجهیزانی مانند نیمکت، میز، فرش و... به آنان داد.

ابوالقاسم عامل سلوکی، نوازنده قدیمی سه‌تار مشهدی، در گفت‌وگویی با بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در ذیل حوادث شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی، می‌گوید: «من شاگرد مغازه آرایشگری بودم و در خدمت اوستا غلامحسین گیلانی درامدودار آرایشگران معتبر مشهد کار می‌کردم. مغازه مادر آستگاه‌سراب قرار داشت، کنار یک رستوران بزرگ که علاوه بر غذا، مشروب فروشی هم بود. [رستوران] در اختیار مردی بود به نام فتح... خان که اهالی محل به او فاطی‌خان می‌گفتند. او به زبان روسی خوب حرف می‌زد. به یاد دارم در آن سال‌های سخت شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی که روس‌ها مشهد را اشغال کرده بودند، یک عده زن و کودک لهستانی را به مشهد آوردند. تعدادی از زنان و دختران جوان لهستانی را که اغلب دچار بیماری شیش بودند، آوردند به مغازه ما تا



یک مادر بزرگ پناهنده لهستانی همراه نوه‌هایش عکس از سایت مشیبل



خانواده لهستانی در ایران. آن‌ها کیلومترها دورتر از کشور اشغال شده خود، روزهای آرامی را در سرزمین مهمان‌نواز ایران سپری می‌کردند



دارالتربیه شاپور مشهد در گل خطمی قبل از پذیرایی از کودکان لهستانی میزبان کودکان بی سرپرست مشهدی بود. عکس سال ۱۳۰۷ منیع مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهری شهرداری مشهد

موهای آن‌ها را کوتاه کنیم. چون فاطی‌خان زبان روسی بلد بود آن‌ها را به آرایشگاه ما می‌آوردند.» اما محبت ایرانی‌هایی پاسخ نماند چرا که لهستانی‌ها از شرایط موجود در جامعه ایران و کمبود مواد غذایی و امکانات رفاهی به دلیل حضور متفقین آگاه بودند و لطفی را که ایرانیان برخلاف این شرایط ابراز می‌کردند، می‌دیدند. کارل بادر، وزیر مختار وقت لهستان، طی نامه‌ای از استاندار وقت خراسان به‌خاطر مساعدت‌هایی که نسبت به مهاجران لهستانی در مشهد شده بود، تقدیر می‌کند و می‌نویسد: «نبات خیر خواهان‌ه جنابعالی نسبت به هم میهنان من، مهاجران لهستانی، تأثیر عقیقی بر من بخشیده است. طبق گزارش‌هایی که به من رسیده، جنابعالی از روی کمال مرحمت یک دستگاه عمارت بزرگ را در اختیار اطفال یتیم لهستانی گذارده‌اید که در آنجا آن‌ها نگهداری شوند. من از صمیم قلب از مراحم خیرخواهانه و نوع‌پرستانه جنابعالی متشکرم و اطمینان می‌دهم که لهستانی‌ها برای همیشه کمال امتنان را از جنابعالی خواهند داشت.»

- رسیدن به خانواده از مسیر ایران

بر این اساس در کل ۷۰۴ کودک لهستانی از طریق مرز زمینی به مشهد رسیدند و تعداد ۶۷۵ نفر از طریق زاهدان به هندوستان نزد والدین خود فرستاده شدند. از این میان عده‌ای که والدین خود را پیدا نکردند به تهران و از طریق آن به اصفهان، شهر بچه‌های لهستانی، فرستاده شدند. در انبوه خاطرات لهستانی‌ها از دوران تبعید از آن گروه که از طریق ایران به ژلاندنو عزیمت کردند، خاطراتی نیز در دست است. مانند گزارش ماریا لیندن (Maria Linden). او جزو کودکانی بود که از طریق زمینی از عشق‌آباد به مشهد رسید و از آنجا به هند فرستاده شد و به‌همراه کودکان ساکن اصفهان به ژلاندنو همسپار گردید. در خاطرات ماریا لیندن چنین آمده است: «سرانجام به مقصد خود، شهر مشهد رسیدیم. جایی که مرکزی برای نگهداری پناهجویان لهستانی توسط سفارت لهستان در تهران ایجاد شده بود. برای تازه‌کردن جان و تن تا هشتم دسامبر ۱۹۴۲ میلادی (۱۷ آذر ۱۳۲۱ خورشیدی) در این شهر توقف کردیم. خوابگاه بزرگ بود با اتاق‌هایی

خاص برای کارکنان. پسران و دختران اتاق‌های دوسوی ساختمان را در اختیار گرفتند. کودکان بر اساس سن دسته‌بندی شدند.» او در جای دیگر نوشته است: «بسیاری از معضلات تندرستی ماریشه در اقامت‌مان در اتحاد شوروی داشت... بسیاری از کودکان نجفت‌تر لهستانی درگذشتند. آنان سرانجام آرامگاهی در سرزمین مهربان ایران برای خود یافتند.»

اما درباره کودکانی که به والدین خود در هند پیوستند، سر کلارمونت اسکرین در خاطراتش چنین می‌آورد: «۷۰۰ کودک مورد استقبال مردم قرار گرفتند، چون در ایران نسبت به یتیم‌ها، چه بی‌والدین و چه دورمانده احساسات خاصی وجود دارد. مقامات شهرداری مشهد برای کمک به کارکنان صلیب سرخ لهستان برای ۱۰۰ نفر امکانات کامل فراهم کردند. این‌ها از طریق تربت‌حیدریه به هندوستان رفتند و در آنجا یک خود اردوگاهی برای این کودکان ساخت. دکتر لیزیکي از آوریل ۱۹۴۲ میلادی (فروردین ۱۳۲۱ خورشیدی) تا آخر آن سال همه کودکان را منتقل کرد. گاهی صحنه‌های عجیبی به وجود می‌آمد، پدّری که چهار فرزندش را پس از حمله آلمان و روس به لهستان ندیده بود و از آن‌ها خبری نداشت، روز قبل از اعزام بچه‌ها به هند، آن‌ها را در کامیون دید... ظاهراً این کودکان ارتش کوچک و رقت‌انگیزی را تشکیل می‌دادند. ولی در اصل هیچ نظامی‌ای گذرش به مشهد نیفتاد.»

در مطبوعات روز ایران نیز خبر گسیل این کودکان لهستانی به هند بازتاب یافته است. در این باره در روزنامه اطلاعات ۱۸ فروردین ۱۳۲۱ خورشیدی می‌خوانیم: «روز ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ خورشیدی، هفت کامیون حامل زنان و اطفال از مشهد به تربت‌حیدریه وارد و پس از صرف ناهار به زاهدان عزیمت نمودند. در سپتامبر ۱۹۴۳ میلادی (شهریور ۱۳۲۲ خورشیدی) کودکان لهستانی ساکن در اردوگاه مشهد که موفق به یافتن والدین خود نشده بودند، به آموزشگاه‌های مستقر در شهر اصفهان منتقل شدند.»

حبیب کامران پور، راننده پیشکسوت مشهدی که تعدادی از این کودکان را در مسیر اصفهان به شاهرود منتقل کرده است، در مصاحبه با بخش تاریخ شفاهی



برپایی کنسرت‌های موسیقی و نمایش‌های لهستانی به‌صورت فراگیر و عمومی گزارشی نشده است. تنها در یک جا روزنامه آزادی از برگزاری جشن و نمایشگاهی در ۱۰ فروردین سال ۱۳۲۱ گفته که با حضور کودکان دارالتربیه و برای حمایت و کمک به هم‌وطنان لهستانی آن‌ها برگزار شده است. به دنبال آن مهاجران به‌منظور کسب درآمد نمایشگاه‌های گروهی دیگری در محل دارالتربیه شاپور برپا کردند و از کمک‌های مالی مردم مشهد برخوردار شدند.

جنگ دوم جهانی در می‌۱۹۴۵ میلادی (۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ خورشیدی) پایان یافت. لهستان در این جنگ هزینه‌های بسیار سنگینی پرداخت کرد. بیش از نیم‌میلیون از مردان و زنان جنگجو و مبارز و بیش از ۶ میلیون نفر از افراد غیرنظامی این کشور، یعنی ۲۲ درصد کل جمعیت لهستان در این جنگ کشته شدند. در ایران نیز از اکتبر ۱۹۴۴ میلادی (مهر ۱۳۲۳ خورشیدی) تا پایان سال ۱۹۴۵ میلادی (آذر ۱۳۲۴ خورشیدی) نقل و انتقال و خروج اتباع لهستانی افزایش یافت و فقط عده کمی شاید حدود ۳۰۰ نفر از آنان برای همیشه در ایران باقی ماندند و تشکیل خانواده دادند. امروزه تعدادی ایرانی دوره‌گ وجود دارند که مادر یا مادر بزرگشان لهستانی است و آن‌ها نمره همان ازدواج‌هایی هستند که ذکر شد و می‌توان گفت تقاطع فرهنگی و پل ارتباطی معنوی بین دو کشور محسوب می‌شوند.

- قبرهای لهستانی گورستان ارامنه مشهد

اکنون گورستان‌های مهاجران ایران، سند جاودان و یادگار منحصr به فردی است از حضور بیش از ۱۰۰ هزار لهستانی که حدود سه سال و اندی در کشورمان اقامت داشتند و به دلایل مختلف فوت کردند. بسیاری از این مهاجران که شانس بیشتری داشتند و زنده ماندند یا به نقاط مختلف جهان رفتند و زندگی جدیدی را شروع کردند یا اینکه در ایران ماندند.

تعداد کل قبرهای ثبت شده لهستانی در گورستان‌های نقاط مختلف ایران ۲۸۳۶ گور است. در میان افرادی که در این گورستان‌ها به خاک سپرده شده‌اند از کودک شیرخوار تا پیرمرد و پیرزن و از نظامی و فرهنگی تا محصل و کارگر به چشم می‌خورد. این گورستان هادر بندر انزلی، تهران، اهواز، قزوین، اصفهان، خرمشهر و مشهد قرار دارند که در این میان تهران با داشتن سه گورستان لهستانی بیشترین سهم را از آن خود کرده است.

در خراسان، مهاجرانی که از راه عشق‌آباد وارد مشهد شدند از مسیری کوهستانی و بیراهه عبور کردند و برخی در چار مرگ و میر شدند. در نتیجه در گورستان ارمنی‌ها در تقاطع بلوار شهید کریمی و در ضلع شمالی حرعالملی، جنب شهرداری منطقه ۲ مشهد مدفون هستند. بیشتر آن‌ها کودکان و زنان سال‌خورده‌ای بودند که تاب مقاومت نداشتند و جان خود را از دست دادند.

گورستان مشهد توسط سرکنسول لهستان در بمبئی، دکتر لیزجی (Lyzjy) که در آن زمان در مشهد بود و با یاری مدیریت کلیسای ارامنه این شهر در آگوست ۱۹۴۲ میلادی (مرداد ۱۳۲۱ خورشیدی) ایجاد شد. به این ترتیب بخشی در گورستان ارمنی‌ها به لهستانی‌های کاتولیک اختصاص داده شد که تا پایان جنگ، طبق مستندات پذیرای بی‌کر ۲۹ لهستانی بود. می‌شود گفت که ارمنی‌های مشهد حداکثر همکاری را در پذیرفتن اجساد لهستانی‌ها ابراز کردند. البته طی بررسی میدانی نگارنده، در این گورستان فقط ۲۲ قبر لهستانی قابل مشاهده بود، شاید به علت اینکه زمین این قبرستان از چندین سال پیش توسط شهرداری مجاورش، تکه‌تکه شده و به‌مرور به ساختمان شهرداری اضافه شده است.

قبر‌ها در ابتدا دارای صلیبی چوبی بود که پس از بازسازی، صلیب‌های آهنی روی آن نصب شد. این قبرستان در سال ۱۹۵۸ میلادی توسط ارمنی‌ها و مهندسان لهستانی شاغل در کارخانه قند مشهد بازسازی و سامان دهی شد. سه قبر گورستان مشهد مربوط به سه دختر جوان لهستانی است که در آن ایام بر اثر تصادف در جاده قوچان کشته شدند. در کتاب «گورستان‌های جنگی لهستان در ایران» نوشته علیرضا دولتشاهی، اسامی این سه دختر ذکر شده است اما بر طبق گفته‌های ارامنه محلی در خراسان ۷ دختر لهستانی در جاده قوچان تصادف کرده و در قبرستان ارامنه مشهد دفن هستند.

- پل ابران به سمت زندگی
- ایران برای آوارگان لهستانی‌که سبب رستخیز و بیمار از تبعیدگاه‌های سیبری رسید به بود. چون ارض موعود بود و مانع از مرگ عده بی‌شماری از آنان شد چرا که شرایط سخت زندگی در اردوگاه‌های شوروی با حمله آلمانی‌ها و غافل‌گیرشدن مسکو غیرقابل تحمل شده بود و آینده تاریکی در انتظار آنان بود.
- تصمیم به حرکت دادن گروه‌های بزرگی از مهاجران به‌سوی ایران اقدامی سریع و بدون هماهنگی‌های لازم بود و این نقل‌وانتقالات تابع قانون و مقررات خاصی نبود با این حال، همان‌طور که ذکر شد مهاجران لهستانی در مشهد با استقبال مردم روبه‌رو شدند.
- مشهد و به‌طورکلی خراسان برای آن‌ها در حکم محل گذار بود. چند صبح‌ای در مشهد غبار ناملامات سفر را از خود زدودند و در بیمارستان‌های شهر درمان شدند.

